



«جیم کری» شعبده باز خیابانی می‌شود

«جیم کری»، در فیلم کمدی «سنگ عجیب برت» نقش یک شعبده‌باز خیابانی را بازی کند. «دی مورفی»، بازیگر و یکی از تهیه‌کنندگان «پلیس بورلی هیلز» اعلام کرد که ادامه ساخت این پروژه قرار است به‌صورت یک مجموعه دنباله‌دار تلویزیونی انجام شود و بحث ادامه ساخت آن در قالب فیلم سینمایی منتفی است. از فیلم‌های جیم کری می‌توان به «هامش ترومن» و «ماسک» و... اشاره کرد.



گفت و گو با جواد مجابی نویسنده و روزنامه نگار پیشکسوت در نمایشگاه مطبوعات

مگر جامعه بدون رسانه نفس هم می کشد

زمان در آستانه انقلاب تصمیم گرفتیم روزنامه‌ی «پژمان موسوی» کنیم و این کار را هم کردیم اما اکنون که به آن رویداد فکر می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که در آن مقطع این بدترین کاری بود که ما کردیم و به این وسیله مردم را در یک سبک‌تخت خوری قرار دادیم و این در حالی بود که مردم در آن زمان بیش از هر چیز به خبر و اطلاعات احتیاج داشتند.

❖ در شرایط امروز هم پس پیشنهاد مشخص شما ماندن در عرصه و ادامه فعالیت‌های مطبوعاتی است؟

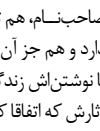
بله! در خانه نشستن و کاری نکردن، در مسیر سکوت است و کار کردن رخنه در سکوت. باید کار کرد و با خبرها و تحلیل‌هایی که می‌توان منتشر کرد، فضای جامعه را پویا و سرزنده نگه داشت. من فکر می‌کنم مهم‌ترین خط قرمز برای ادامه فعالیت‌های مطبوعاتی، «حرفی نو برای گفتن» است و از همین‌رو بر این باورم که روزنامه‌نگاران تا جایی که حرفی برای گفتن دارند و در مسیر حقیقت‌گام می‌دارند، باید در عرصه بمانند و کار کنند. خلاصه اینکه به هر قیمتی نمانند و خط قرمزشان را خودشان برای خودشان تعیین کنند.

❖ گفته می‌شود که روزنامه‌نگاری امروز ابزاری شده است در خدمت برخی سیاستمداران برای طی کردن پله‌های ترقی...

در رژیم سابق اتفاقی که افتاده بود، این بود که این روزنامه‌نگاران بودند که از طریق شغل‌شان به مناصب دولتی می‌رسیدند در حالی که امروزه برخی دولتمردان هستند که به روزنامه‌داری و اداره یک روزنامه ریشه‌دار! البته ممکن است اکنون روزنامه‌نگاری برای برخی حکم ابزار را داشته باشد اما موضوعی که باید روی آن تأکید داشت این است که بسیاری از روزنامه‌نگاران ما انسان‌های باشرقی هستند و دارند با رعایت استانداردهای حرفه‌ای کارشان را می‌کنند و در جهت آگاهی‌رسانی به جامعه‌گام بر می‌دارند و از همین‌رو نمی‌توان و نباید که یک حکم کلی در این خصوص صادر کرد.

پژمان موسوی

pejman.mousavi@gmail.com



سال‌هاست که می‌نویسد و در سکوت یک نویسنده صاحب‌نام، هم تجربه کار روزنامه‌نگاری را در آستین دارد و هم جز آن را؛ مهم‌اما این است که می‌نویسد و ناوشین‌اش زندگی را هم برای خود و هم برای مخاطبان آثارش که اتفاقاً هم نمی‌تستند، تحمل‌پذیرتر کرده است. همین «بودن» و «ماندن» و خالی نکردن عرصه موضوعی است که موافقان و مخالفان مخصوص به خود را دارد و هر کدام می‌کوشند تا با استدلالات خود، طرف دیگر را اقناع یا حداقل مجاب کنند؛ جواد مجابی اما در سطوری که در ادامه خواهید خواند، از «بودن» می‌گوید و از «ماندن» و البته برای این هر دو، شرایطی را مطرح می‌کند. به پنهان هم‌رازی نمایشگاه مطبوعات و شرایط رسانه‌ای امروز ایران، با این نویسنده شهریار ایرانی گفت‌وگوی کوتاهی ترتیب داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید...

❖ جناب آقای مجابی! جنابعالی به‌منظور یک روزنامه‌نگار پیشگام و نویسنده، فضای امروز رسانه‌ای ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ همانگونه که می‌دانید برخی بر این باورند که به دلیل برخی محدودیت‌ها، باید عطای کار مطبوعاتی را به لافش بخشید شما در این خصوص چه دیدگاهی دارید؟

من پیش از هر چیز باید بگویم که جامعه بدون رسانه اساساً برایم مفهومی ندارد، مگر جامعه بدون رسانه نفس هم می‌کشد؟ وقتی که چنین نقشی را برای مطبوعات می‌توان و باید تصور کرد، اگر گاهی این تنفس دچار تنگی نفس هم بشود باز هم باید به کار ادامه داد و عرصه را رها نکرد زیرا نشریات صدای مردم هستند و بدون وجود آنها جامعه از نفس کشیدن باز می‌ماند. من لازم می‌دانم که این خصوص به یک واقعه اشاره کنم، ما روزنامه‌نگاران آن





آب‌هایی که درهمدان از دست نمی‌روند اما می‌روند!

بیش از ۱۸۰۰ رودخانه دایمی در ایران زمین جاری است که دوام حیات ایرانیان و همه زیست‌مندی که در فلات ایران زندگی می‌کنند، به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم به تداوم روح جاری و پرتلاطم آنها در زیست‌بوم وطن وابسته است. اینک اما علاوه بر اینکه کمیت آب اغلب این رودخانه‌ها به شدت کاهش یافته و برخی از مشهورترین و زارتینشان چون زاینده‌رود عملاً به خشک‌رود بدل شده است؛ یک تهدید جدی‌تر هم متوجه توان زیست‌پایایی این سرمایه‌های آبی کشور شده و کیفیت‌شان آشکارا به مخاطره افتاده است؛ به نحوی که امروز به دشواری بتوان رودخانه‌ای را یافت که در کنارش مردم ایستاده و آب گوارش‌یاب را بخیرال راحت نوشیده‌اند چه حتی نگران کنندگی‌ نمی‌نمایند آن است که علاوه بر اندوخته‌های

سستی معروضه، اجباری ژورنیستی یون کمزور و بسیاری از نقاط در صورتی شدید قرار گرفته‌اند؛ خدای که ابعاد نگرانی‌ها را دو چندان می‌سازد. به عنوان مثال، خبری یکی از دوستان پژوهشگر، مجموعه مطالعات و اندازه‌گیری‌های دقیقی را در دست همیان - بهار واقع در استان همیان ارائه داده است که به دلیل اهمیت یافته‌های آن، شایسته است مورد توجه دست‌اندرکاران منطقه قرار گیرد. وی با بررسی میزان نیتراژ موجود

آلاینده‌گی آلوده‌توهای آبی دشت تا بیش از چهار برابر حد مجاز برای مصرف شرب شده است. در حقیقت در حالی که بیشینه تراکم مجاز نیترات در آب بر حسب استاندارد اروپا، ۵۰ میلی‌گرم در لیتر است، این مقدار تا ۲۰۲ میلی‌گرم در لیتر در چاه کشاورزی اطراف روستای هلجرد اندازه‌گیری و گزارش شده است. افزون بر روستای هلجرد و با مشاهده نقشه هم‌اژم نیترات در محدوده دشت یاد شده، مشهود است که شدیدترین مناطق آلودگی نیتراتی در اطراف قاسم‌آباد، مریاج، یکن‌آباد، پایین دست روستای عاشوری و همچنین پایین دست روستاهای اولیبه و سلوچ قرار دارد. ذکر این نکته ضروری است که در سطح دشت، مناطق وسیعی وجود دارند که میزان نیترات آنها از حد مجاز شرب بالاتر است، ولی برای مصرف کشاورزی هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد؛ از این‌رو، شایسته است تا تمهیدات جدی‌تری در مناطق تأمین آب شرب کانون‌های جمعیتی اعمال شود تا خدای ناکرده این آلوده منابع آب شرب منطقه را متاثر نسازد.

علی درخششی
 aderakhshi@yahoo.com



کارتون خواب



شرق درنمایشگاه

احمد طالبی نژاد



همین پیرشپ، جایی میهمان بودیم، خانوادۀ متعلق به قشر نسبتاً مرفه و نه خیلی مرفه یا چنان که اهل سیاست می‌گویند «رفهین بی‌درد» و نه همین طبقه متوسطی که می‌کوشد تا خود را با اصل و نسب جلوه کند و با چند قاب عکس قدیمی شعرچانه خانواده را ترسیم می‌کند که معمولاً می‌توان این قاب عکس‌ها را از عکاسی معروف و قدیمی میدان بهارستان خرید. طبق معمول تویض‌نویس‌شان روشن بود و خانم‌ها آرایش میزدند که در آستانه «سوالیگی هستند دانشمند» و «فان» تماشا می‌کردند و در ضمن آن، هرچند لحظه یکبار هم لبخندی ملیح به ما می‌زدند که یعنی: «بخشید، شما بی‌هنگام آمداید. می‌بینید که داریم سربال تماشا می‌کنیم. جای حساسش هم هست. لطفاً از خودتان بذیرایی کنید تا تمام شود» و ما هم البته با لبخندی ملیح پاسخ می‌دادیم که «عیبی ندارد. در کار شما وابجرت است. بذیرایی دیر نمی‌شود» در

برداشت آغاز

رادیو نوستالژی

به حرف دلت گوش بده